

آرین
زرین
سیدی
روپته

نشریه

آرین، زرین

رو به سپیدی | مجموعه‌ی داستان کوتاه | زرین آرین، تهران: نشر به، ۱۳۸۵

ISBN: 964-5908-31-0

ص ۱۰۰

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات لیا

۱. داستان‌های کوتاه فارسی قرن ۱۴ الف. عنوان.

۸۸۴ ر | ۷۹۲۹ PIR ر ۶۲۱۴۵۵ | ۸۵۳

۱۰۹۹۰-۸۴

کتابخانه ملی ایران

رو به سپیدی

● زرین آرین

● چاپ اول - ۱۳۸۵

● شماره‌گان ۱۰۰۰ نسخه

● لیتوگرافی طراوت

● چاپ و صحافی رامین

استفاده از متن و محتوای داستان‌ها به هر شکل و برای هر منظوری منوط به اجازه کتبی از مؤلف می‌باشد.

E-mail: kaveh_karbasi@hotmail.com

دفتر فروش: میدان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان وحید نظری

پلاک ۲۰۷ - واحد ۷ - نشر نارنج

تلفن‌ها: ۰۶۶۹۶۰۸۱۹ - ۰۸۸۰۰۳۰۴۵ - ۰۹۱۲۱۴۶۴۵۰۲ - ۰۹۱۲۵۰۶۰۱۵۰

۹	یادداشت نویسنده
۱۳	سایه‌ای کنار صبح
۱۷	از آن شب تاریک
۲۱	نقشه‌ی ایران
۲۳	یک فصل زرد
۲۷	تکه‌های کالباس
۳۱	کوچه مرغیها
۳۳	بگذار اشک‌های ام را پاک کنم
۴۳	رو به سپیدی
۶۵	شیخ
۶۹	آبر و آله و آن مرد
۷۹	مردی که غرق شد
۸۳	من ایرانی هستم
۸۷	چاله چوله‌ها

یادداشت نویسنده

فُرم‌گرایی مُفرط پدیده‌ی نوظهور بیمارگونه‌ای است که از چند دهه پیش دامن ادبیات دنیا - و اخیراً ایران - را گرفته و به نظر می‌رسد تا زمانی که آدا و اطوار فُرم‌گرایی و ژستی که نویسنده‌گان کم‌مایه یا بی‌مایه به واسطه‌ی آن به مخاطب می‌فروشند از گستره‌ی ادبیات برجیده نشود، ممکن است ادبیات بیش از پیش دچار انحطاط، بحران و مخاطب‌گریزی مضاعف گردد و هدف اولیه آن که خوانش، جلب و جذب مخاطب بیش‌تر است نیز از بین برود. امروز مخاطبِ خواننده‌ی آثار پسا مدرنیستی در چنان مخمصه‌ی ذهنی گرفتار شده است که بی‌تردید، هنوز بعد از گذشت سالیان سال از خلقِ رمان‌های

کلاسیک باز هم به دنبال آن‌ها و تمایل کم‌تری به «رمان نو» نشان می‌دهد. چنان‌که آمار فروش رُمان «جنایات و مکافات»، «جنگ و صلح» کم‌تر از «بار هستی» یا «جاودانگی» میلان کوندرا و یا «صد سال تنهایی» که نسبتاً متأخرتر است از نوشته‌های آلن رب‌گریه یا دوراس کم‌تر نیست که بیش‌تر هم هست. به تعبیر تارکوفسکی فقید، کارگردان نام‌آشنای روس، کدام اثر را می‌توان یافت که از آثار شکسپیر و تولستوی و داستایفسکی برتر و برجسته‌تر باشد و سخن‌ثوتری بیان کرده باشد؟

ناگفته پیداست که برخی به نام قُرم و قُرم‌گرایی و پسامُدرن‌گرایی ادبیات را لجن‌مال نموده‌اند و به گمان من این تنها برای سرپوش گذاشتن بر کم‌مایه‌گی حضرات‌شان است و بس.

آیا می‌توان از یک موضوع که چندان اهمیت خاصی ندارد به واسطه‌ی قُرم یک داستان یا شعر عالی نوشت و یا برعکس آیا می‌توان از یک موضوع پُرمایه بدون توجه به قُرم، اثر درخشانی خلق کرد؟ بسیاری از نویسنده‌گان جوان ما همین راه غلط را می‌پیمایند و برای حفظِ پرستیژ روشن‌فکری به قُرم‌گرایی مُغلق و افراطی می‌افتند. البته نباید از نظر دور داشت کارکرد متولیان فرهنگ و هنر این مشکل را مضاعف نموده است؛ چنان‌که در کشورمان و سایر کشورها هم در زمان‌های دور و نزدیک به خاطر اعمال فشار و سانسور، ادبیات و هنر به دامن نمادگرایی و... افتاده است. اما نگارنده که خود را ملزم و متعهد به بیان صریح، شفاف معضلات اجتماعی می‌داند و بر این

است تا جایی که ممکن باشد مشکلات و نابهنجاری‌ها را - که کم هم نیستند - در قالب داستان کوتاه و قصه و حداقل امکان در قُرْم‌های جدید تجربه و بیان نماید و اگر چه قبول دارم به خاطر دهن‌کجی بر جریان‌های مبتذل سعی نمودم از «قُرْم و قُرْم‌گرایی افراطی» فاصله بگیرم و تکیه‌ام بیش‌تر بر محتوا باشد، حتماً خواننده‌ی محترم با بنده موافق خواهد بود که در جامعه‌ی ما، مُعضلات آن‌چنان است که نویسنده تنها و تنها نوشتن از نابهنجاری‌ها را بر خود اصل می‌داند تا مسایل حاشیه‌ای دیگر. هر چند که نقش قُرْم را در غالب آثار هنری، نه می‌توان انکار کرد و نه می‌توان آثار برجسته و شاهکارهای هنری را بدون آن متصور شد.